

تأثیر روابط تجاری ایران و آلمان نازی بر اولویت یافتن کشاورزی تجاری در سیاست‌های اقتصادی عصر پهلوی اول

سید حسن شجاعی دیوکلائی^۱

چکیده

روابط تجاری ایران و آلمان نازی در شرایطی آغاز شد که ایران سیاست صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات را به‌منظور تولید کالاهای مصرفی در داخل کشور به‌عنوان اولویت اول سیاست‌های اقتصادی قرار داده بود. اجرای سیاست صنعتی‌سازی، خود ناشی از شیوع پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م. در ایران بود. بحران اقتصادی در ایران موجب کاهش درآمد ناشی از صدور مواد اولیه و واردات کالاهای مصرفی شد. در چنین شرایطی ایران به‌سوی برقراری روابط اقتصادی با آلمان نازی که درصدد تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع جنگی خود بود سوق داده شد تا از این طریق علاوه بر فروش مواد اولیه، ماشین‌آلات صنعتی مورد نیاز برای اجرای سیاست صنعتی‌سازی را تأمین کند. در چنین شرایطی بود که مناسبات و مبادلات اقتصادی ایران و آلمان نازی آغاز شد. پژوهش پیش‌رو درصدد است تا با استفاده از روش تاریخی به این پرسش پاسخ دهد که مناسبات اقتصادی ایران و آلمان نازی چه تأثیری بر اولویت یافتن کشاورزی تجاری در سیاست‌های اقتصادی عصر پهلوی اول داشته است؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه ایران از برقراری روابط تجاری با آلمان نازی بر پایه مبادلات پایایی به دنبال فروش مواد اولیه با هدف تهیه ماشین‌آلات صنعتی برای اجرای سیاست صنعتی‌سازی به‌عنوان اولویت اول سیاست اقتصادی خود بود؛ اما برقراری این روابط تجاری برخلاف انتظار به تداوم سیاست صنعتی‌سازی منجر نشد. ایران به‌واسطه آنکه هر ساله تعهدهای بیشتری برای صدور مواد اولیه کشاورزی به آلمان می‌داد، ناچار شد برای انجام این تعهدها سیاست صنعتی‌سازی را از اولویت برنامه‌های اقتصادی خود خارج کند و به‌جای آن توسعه کشاورزی تجاری را به‌منظور تأمین مطالبات مواد اولیه مورد نیاز آلمان نازی در اولویت سیاست‌های اقتصادی ایران قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: روابط تجاری، ایران، آلمان نازی، کشاورزی تجاری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۸

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

H.shojaee@umz.ac.ir

مقدمه

با ادغام ایران در مناسبات نظام جهانی سرمایه‌داری تحولات تاریخی ایران تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی مرکز اقتصاد جهانی نظام سرمایه‌داری قرار گرفت. این تأثیرپذیری که از قرن نوزدهم با ادغام ایران در اقتصاد جهانی نظام سرمایه‌داری آغاز شده بود، در سال‌های پر نوسان جوامع سرمایه‌داری در میان دو جنگ جهانی تشدید شد. در سال‌های میان دو جنگ جهانی، اروپا به‌عنوان مرکز اقتصاد جهانی چالش‌های سیاسی و اقتصادی بسیاری را تجربه کرد. از جمله این چالش‌ها ظهور نازیسم در آلمان بود که پس از رسیدن به قدرت با سیاست‌های میلیتاریستی خود زمینه‌های بروز جنگ جهانی دوم را فراهم کرد. به قدرت رسیدن رژیم نازی در آلمان پیامدهای سیاسی و اقتصادی مهمی در ایران داشت. برقراری روابط نزدیک سیاسی اقتصادی میان حکومت پهلوی و رژیم نازی عامل اصلی ایجادکننده این پیامدهای سیاسی و اقتصادی مهم در ایران بود.

در حوزه اقتصادی، برقراری روابط تجاری میان ایران و آلمان نازی پیامدهای مهمی بر تحولات اقتصادی ایران داشت. انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری ایران و آلمان سرآغاز این رابطه تجاری و پیامدهای آن بود. برقراری روابط تجاری میان دو کشور تأثیر فراوانی بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از جمله بخش‌های صنعت و کشاورزی داشت و فعالیت‌های اقتصادی در هریک از این بخش‌ها را تحت تأثیر خود قرار داد. بر این اساس پژوهش پیش‌رو درصدد است تا با استفاده از روش تاریخی به این پرسش پاسخ دهد که مناسبات اقتصادی ایران و آلمان نازی چه تأثیری بر اولویت یافتن کشاورزی تجاری در سیاست‌های اقتصادی عصر پهلوی اول داشته است؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، آنچه پیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد، چرایی و چگونگی برقراری رابطه تجاری میان ایران و آلمان نازی است. برای تحقق این مهم آنچه در نخستین گام باید مورد بررسی قرار گیرید پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹م. بر بخش کشاورزی تجاری اقتصاد ایران است.

پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹م. بر اقتصاد کشاورزی تجاری ایران؛ کاهش صدور مواد اولیه کشاورزی

وقوع بحران اقتصادی ۱۹۲۹م. موجب شد، ایران، همانند بسیاری از کشورهای تولیدکننده مواد اولیه، (Lee, 1969: 139- 155) در نتیجه بحران اقتصادی ۱۹۲۹م. با کاهش درآمد صدور مواد اولیه (نک: مجله اطاق تجارت، ۱۳۱۱، ش ۵۲: ۱۸-۲۶؛ سالنامه پارس، ۱۳۱۳: ۱۲۸-۱۲۹) و کاهش قدرت خرید کالاهای ساخته شده، مخصوصاً کالاهای مصرفی مواجه شود (مجله اطاق تجارت، ۱۳۱۱، ش ۵۲: ۲۵-۲۹). در حالی که درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه مخصوصاً مواد اولیه کشاورزی تا سال ۱۳۰۷ش. به واسطه رونق فروش این مواد در بازار جهانی افزایش یافته بود، درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه کشاورزی در سال های بعد و در نتیجه بحران اقتصادی کاهش یافت. این کاهش را می توان در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.

شرح جدول شماره ۱

محصول	سال ۱۳۰۷ش.	سال ۱۳۰۸ش.	سال ۱۳۰۹ش.
برگ تنباکو	۲۱۱۵۳۸۴	۲۲۹۰۵۶۹	۲۱۰۰۹۷۴
برنج	۲۹۳۶۰۰۵۸	۳۳۱۵۷۵۲۸	۳۲۰۱۱۸۵۰
پنبه	۵۲۶۸۰۱۲۰	۳۸۹۵۳۱۱۸	۳۱۲۵۲۸۲۵
تریاک	۶۵۰۴۰۷۳۸	۷۰۲۱۳۴۲۴	۴۹۱۳۰۲۹۷
خشکبار	۳۹۲۰۰۰۰۰	۳۳۹۹۰۰۰۰	* ۴۹۱۴۰۰۰۰
صمغ ها	۲۵۲۷۹۴۹	۳۲۵۰۴۸۲	۲۴۹۹۸۲۵
کتیرا	۱۵۸۵۱۹۲۵	۱۷۹۸۳۰۰۰	۱۶۱۷۶۹۸۹
کنف خام	۱۳۵۰۰۷۲	۷۷۲۰۶۵	* ۲۰۲۵ ۲۷۸
جمع کل	۲۰۸۱۲۶۲۴۶	۲۰۰۶۰۹۱۸۶	۱۸۴۳۳۸۰۳۸

الف: این کالاها منتخبی از ارقام بزرگ کالاهای صادراتی کشاورزی ایران است.

ب: ارقام موجود نشان دهنده میزان صادرات بر اساس قیمت و بر مبنای ریال است.^۱

۱. ارقام این جدول استخراج شده از مجله اطاق تجارت، سال چهارم، شماره ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، ص ۲۶-۱۸.

بررسی ارقام فوق نشان می‌دهد که صادرات ایران در سال ۱۳۰۹ش. علی‌رغم افزایش در برخی از کالاها که با علامت * مشخص شده، در سایر موارد با کاهش مواجه گردید. کل صادرات از محل فروش ایران از این کالاهای در سال ۱۳۰۷ش. ۲۰۸۱۲۶۲۴۶ میلیون ریال، در سال ۱۳۰۸ش. ۲۰۰۶۰۹۱۸۶ میلیون ریال و در سال ۱۳۰۹ش. ۱۸۴۳۳۸۰۳۸ میلیون ریال بود. به این ترتیب درآمدهای ایران از محل فروش این مواد در سال ۱۳۰۸ش. ۴ - نسبت به سال ۱۳۰۷ش. کاهش داشته است. این کاهش در سال ۱۳۰۹ش. نسبت به سال ۱۳۰۷ش. ۱۱/۴۲ - و به میزان ۲۳۷۸۸۲۰۸ میلیون ریال بود. کاهش صدور مواد اولیه تنها به اقلام عمده صادرات کشاورزی ایران محدود نمی‌شد، بلکه در سایر اقلام کوچک‌تر کشاورزی مانند سقز، حنا، علوفه، غلات سبز و غیره هم وضعیت به همین صورت بود (مجله‌اطاق تجارت، ۱۳۱۱، ش ۵۲: ۲۴). در پی چنین کاهشی بود که میزان کل درآمدهای صادراتی ایران در سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۰۹ش. در مقایسه با سال ۱۳۰۷ش. با کاهش ملموسی مواجه شد. این کاهش را می‌توان در احصائیه اداره کل تجارت مندرج در مجله اطاق تجارت به شرح جدول زیر مشاهده کرد (مجله‌اطاق تجارت، ۱۳۱۱، ش ۵۲: ۲۶).

جدول شماره ۲

سال ۱۳۰۷ش.	سال ۱۳۰۸ش.	سال ۱۳۰۹ش.
۴۸۲۵۵۲۷۲۷	۴۷۳۸۵۳۷۵۸	۴۴۹۶۴۲۵۳۴

کاهش درآمد حاصل از صادرات مواد اولیه کشاورزی تنها به سال ۱۳۰۹ش. محدود نشد. اگرچه روند کاهش درآمد حاصل از صدور این کالاها در سال ۱۳۱۰ش. در پی اجرای قانون انحصار دولتی تجارت خارجی متوقف شد و اندکی افزایش پیدا کرد؛ اما این امر موقتی بود و روند نزولی کسب درآمد از محل صدور اقلام بزرگ محصولات کشاورزی در سال ۱۳۱۱ش. نیز گریبان‌گیر اقتصاد ایران شد. جدول شماره ۳ نشان‌دهنده میزان نزول درآمدهای حاصل از صدور این مواد در سال ۱۳۱۱ش. در مقایسه با سال ۱۳۱۰ش. است.

جدول شماره ۳

نوع کالا	سال ۱۳۱۰ ش.	سال ۱۳۱۱ ش.
برگ تنباکو	۱۱۸۰۵۹۱	۸۴۱۶۴۵۹
برنج	۲۶۷۷۲۵۳۹	۱۵۵۹۱۰۲۷
پنبه	۸۳۱۶۶۶۵۱	۴۵۲۳۷۴۰۷
تریاک	۲۱۸۰۶۰۵۸	۳۳۰۸۸۴۹۸
خشکبار	۱۱۳۸۳۰۰۰۰	۵۰۵۱۰۰۰۰
صمغ‌ها	۱۶۲۶۷۲۶	۷۳۰۰۱۸
کتیرا	۳۴۹۹۷۶۴۲	۱۴۵۸۱۶۴۱
کنف خام	۱۷۳۸۴۱	۹۸۰۰۶۷
جمع کل	۲۸۳۵۵۴۰۴۸ ^۱	۱۷۷۲۳۵۱۱۷

الف: ارقام موجود نشان‌دهنده میزان صادرات بر اساس قیمت و بر مبنای ریال است

ب: آمارهای سال ۱۳۱۰ ش. مستخرج از مجله اطاق تجارت (مجله اطاق تجارت، ۱۳۱۱: ش ۵۲، ۱۸-۲۶) و

آمارهای سال ۱۳۱۱ ش. مستخرج از سالنامه پارس (سالنامه پارس، ۱۳۱۳: ش، ۱۲۸-۱۲۹) است.

ج: آمار مربوط به خشکبار در هر دو سال مستخرج از مجله اطاق تجارت سال ۱۳۱۷ ش. شماره ۱۸۲ است

(مجله اطاق تجارت، ۱۳۱۷: ش ۱۸۲، ۳).

کاهش درآمدهای حاصل از صدور مواد اولیه کشاورزی تنها پیامد بحران اقتصادی نبود. بحران علاوه بر کاهش صادرات مواد اولیه، با خود کاهش قدرت خرید کالاهای مصرفی وارداتی را نیز به همراه داشت که این مسأله در ادامه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. افزایش میزان صادرات در سال ۱۳۱۰ از دو عامل ناشی می‌شد. ۱- افزایش مداخله و نظارت دولت در صادرات کالا به خارج از کشور پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در اسفند ۱۳۱۰. ش و ۲- افزایش میزان وزنی صادرات در مقایسه با سال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۱. برای نمونه در صادرات خشکبار میزان صادرات از ۴۳۲۰ تن در سال ۱۳۰۹، به ۱۱۵۹۹۹ تن در سال ۱۳۱۰ افزایش و از این رقم به ۲۸۷۴۰ تن در سال ۱۳۱۱ کاهش یافت. مجله اطاق تجارت، سال نهم، شماره ۱۸۲، ۱۶ خرداد ۱۳۱۷، ص ۳.

کاهش قدرت خرید کالاهای مصرفی و گرایش به صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات

از آنجا که ایران بخش اعظم کالاهای مصرفی خود را از کشورهای صنعتی و از طریق درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه به دست می‌آورد، کاهش درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه تأثیر زیادی در کاهش توان خرید کالاهای مصرفی داشت. این کاهش قدرت خرید را می‌توان در احصائیه اداره کل تجارت ایران به شرح جدول زیر مشاهده کرد.

جدول شماره ۴

نوع کالا	سال ۱۳۰۷ ش.	سال ۱۳۰۸ ش.	سال ۱۳۰۹ ش.	سال ۱۳۱۰ ش.
پارچه‌های پنبه‌ای	۱۰۶۸۶۹۰۵	۹۱۷۰۷۸۷	۸۲۲۰۸۱۵	۳۵۷۵۶۲۱
پارچه‌های پشمی	۱۷۲۰۴۸۳۸	۱۹۸۰۳۴۹۷	۱۱۷۷۵۸۴۸	۹۴۲۳۰۷۱
چای	۶۸۴۵۵۷۴۵	۶۹۹۵۳۶۵۹	۶۵۵۹۲۹۳۹	۴۱۸۶۰۱۹۶
شکر	۱۹۰۳۲۳۹۹	۲۴۷۸۶۵۴۶	۲۹۹۴۶۴۸۳	۱۳۲۶۴۰۲۹
قند	۷۸۰۳۹۳۲۵	۹۰۷۹۲۱۶۸	۷۴۹۷۰۶۴۷	۵۵۵۳۳۷۲۹
کبریت	۲۷۶۴۵۱۸	۴۳۵۳۸۷۸	۳۰۹۰۹۴۴	۷۳۴۷۵۳

الف: کالاهای زیر منتخبی از اقلام بزرگ واردات کالاهای مصرفی ایران در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ ش. است.

ب: ارقام موجود بیانگر میزان واردات بر اساس قیمت و بر پایه ریال است.

ج: ارقام زیر مستخرج از مجله اطلاق تجارت است (مجله اطلاق تجارت، ۱۳۱۱: ش ۵۳، ۲۵-۲۹).

کاهش واردات ایران تنها محدود به این کالاها نبود، بلکه بحران موجب کاهش واردات سایر کالاها اعم از کالاهای مصرفی غیر غذایی، ماشین‌آلات و وسایل نقلیه هم شد. کاهش کل واردات بر اساس احصائیه واردات گمرک ایران در سال‌های اولیه بحران در جدول شماره ۵ به این شرح است:

جدول شماره ۵

سال	۱۳۰۷	۱۳۰۸	۱۳۰۹	۱۳۱۰
میزان کل واردات	۸۱۹۸۶۵۴۵۵	۹۱۹۸۵۳۶۸۵	۸۱۰۵۲۸۷۴۲	۶۰۸۹۶۲۳۱۹

ارقام جدول مستخرج از احصائیه واردات گمرک ایران مستخرج از مجله اطلاق تجارت است (مجله اطلاق تجارت، ۱۳۱۱: ش ۵۳، ۲۹).

برای رفع این مشکلات ناشی از کاهش واردات کالاهای مصرفی، حکومت پهلوی همانند برخی از کشورهای توسعه‌نیافته از جمله کشورهای آمریکای لاتین (استاوریانوس، ۱۳۸۵: ۱۵۴) درصدد اجرای سیاست صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات برآمد. هدف از اجرای این استراتژی ایجاد صنایعی است که با تولید کالاهای مصرفی کشور را از واردات این نوع کالاها بی‌نیاز کند (بروک، ۱۳۵۵: ۱۹۵؛ لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳: ۲۳). این استراتژی اگرچه با هدف تأمین کالاهای مصرفی مورد نیاز و همچنین کاهش پرداخت‌های ارزی برای واردات کالاهای مصرفی به اجرا در می‌آمد؛ اما کمبود ارز را به‌واسطه لزوم واردکردن ماشین‌آلات صنعتی تشدید می‌کرد. به همین دلیل کارشناسان اقتصادی کشور به‌تدریج از سال ۱۳۱۳ش. افزایش تولید و صدور مواد اولیه را مورد توجه قرار دادند تا به‌واسطه آن ارز مورد نیاز واردات ماشین‌آلات صنعتی را تأمین کنند. آمار صادرات ایران در این دوره حاکی از اتخاذ چنین رویه‌ای از سوی حکومت است. به‌عنوان مثال میزان صدور پنبه از ۲۶۰۰ تن در سال ۱۳۱۱ش. به ۲۸۰۰ تن در سال ۱۳۱۴ش (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۶: ش ۳۳۷۶، ۱)، کتیرا از ۱۱۴۰ تن در سال ۱۳۱۱ش. به ۲۸۱۰ تن در سال ۱۳۱۴ش. و خشکبار از ۲۸۷۴۰ تن در سال ۱۳۱۱ش. به ۳۶۷۷۶ تن در سال ۱۳۱۴ش. افزایش یافت (مجله اطلاق تجارت، ۱۳۱۷: ش ۱۸۲، ۳-۴). افزایش صدور مواد اولیه از سال ۱۳۱۳ش. تنها به این کالاها محدود نماند، بلکه بر میزان تولید و صدور سایر کالاهایی که عمدتاً مواد اولیه بودند نیز افزوده شد. این افزایش از ۱۴۲۰۰ تن در سال ۱۳۱۲ش. به میزان ۱۹۹۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۳ش. و ۲۴۷۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۴ش. بوده است (مجله اطلاق تجارت، ۱۳۱۶: ش ۱۷۳، ۸). چنین افزایشی در حالی صورت می‌گرفت که علاوه بر وجود مشکل دیرینه مبادلاتی میان ایران و شوروی که اصلی‌ترین خریدار مواد اولیه

بود،^۱ از سال ۱۳۱۳ش. میان ایران و آلمان هم که دومین خریدار بزرگ مواد اولیه کشور بود، مشکلات مبادلاتی و تجاری به وجود آمد. این مشکل ناشی نوع مبادله تجاری بود - مبادله پایپای- که آلمان نازی در پیش گرفته بود و صادرکنندگان ایرانی را با موانع و چالش‌های زیادی در این کشور مواجه می‌کرد (مجله اطاق تجارت، ۱۳۱۳: ش ۹۳، ۵-۷).^۲ در چنین شرایطی رجال سیاسی و اقتصادی ایران تصمیم به رفع مشکل به‌وجودآمده از طریق مذاکره و انعقاد قرارداد تجاری با آلمان گرفتند. علی‌رغم مشکلاتی که سیستم تجاری آلمان به وجود آورده بود، برخی مشابیه‌ها و نیازهای اقتصادی متقابل وجود داشت که به برقراری مناسبات جدید اقتصادی میان دو کشور کمک می‌کرد. در هر دو کشور نظارت شدید دولتی بر اقتصاد حاکم شده بود. علاوه بر این، ایران نیاز به فروش مواد اولیه خود داشت تا به‌واسطه آن ارز مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های صنعتی را تأمین کند. این در حالی بود که آلمان هم برای تجدید سلاح و افزایش توان تسلیحاتی خود نیاز به تهیه مواد اولیه داشت و حاضر بود آن را با ماشین‌آلات صنعتی مبادله کند. بر اساس چنین مشترکات و نیازهای متقابل بود که نخستین گام برای برقراری مناسبات اقتصادی میان دو کشور برداشته شد که این مسأله در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برقراری مناسبات اقتصادی و مبادلاتی ایران و آلمان نازی

نخستین گام در برقراری مناسبات اقتصادی میان ایران و آلمان نازی، از سوی آلمان و در چارچوب طرح آلفرد روزنبرگ،^۳ رئیس دفتر امور سیاست خارجی حزب نازی برداشته شد. روزنبرگ در بهار سال ۱۹۳۴م. طی یادداشتی به هیتلر پیشنهاد کرد تا آلمان با موافقت بریتانیا، اروپای شرقی، شبه‌جزیره بالکان و ترکیه را تحت نفوذ خود در آورد. در راستای چنین تفکری بود که ایران هم مورد توجه روزنبرگ قرار گرفت و دفتر وی با همکاری چند شرکت آلمانی دست به اقداماتی برای گسترش روابط تجاری با ایران زد (پیرا،

۱. مشکلات تجاری ایران با شوروی ناشی از تحمیل‌های حکومت این کشور قبل و پس از انقلاب ۱۹۱۷، به‌عنوان طرف تجاری برتر به ایران بود. این مشکلات پس از ملی شدن تجارت خارجی این کشور در سال ۱۲۹۹ش. (۱۹۲۰م.) توسط حکومت بلشویکی تشدید شد. برای مطالعه بیشتر (نک: طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۷۷-۱۲۰).
۲. برای اطلاع بیشتر (نک: ادريس حسين‌زاده خوئی، «وقفه تجارت ایران در آلمان، لزوم اقدام فوری»، مجله اطاق تجارت، ۱۳۱۳: ش ۹۳، ۵-۷)

3. Alfred Rosenberg.

۱۳۷۹: ۲۴۹). در پی اقدام دفتر روزنبرگ و شرکت‌های آلمانی برای گسترش روابط تجاری با ایران، سفارت ایران در برلین از سوی حکومت، مأمور بررسی این موضوع و چگونگی برقراری و گسترش روابط اقتصادی با آلمان شد. حاصل این بررسی در ۲۳ تیر ۱۳۱۴ از سوی سفارت ایران به وزارت امور خارجه این‌گونه گزارش شد:

«در تعقیب مراسله مورخ ۱۳۱۳/۶/۲۱ نمره ۸۲۱ راجع به انعقاد قرارداد کلیرینگ مدلول تلگراف سفارت شاهنشاهی در برلن در خصوص رئیس مسائل طرح پیشنهادی آلمان، برای استحضار خاطر محترم و اقدام مقتضی ذیلاً مندرج می‌گردد. رئیس یادداشتی که داده‌اند این است که حاضرند در صورت عقد قرارداد، ورود پشم، انواع پوست، روده و موم ایران را بدون محدودیتی اجازه دهند. برای سایر امتعه ایران سهم بیشتری مناسب با منافع ایران قائل شوند. در مقابل تقاضا دارند برای امتعه آلمان نیز سهمی مناسب در ایران قائل شوند و کارخانجات آلمان نیز بیش از پیش در خریدهای ایران ذی‌سهم شوند؛ و وعده می‌دهند اقدام کنند قیمت‌های کارخانجات آلمان قابل رقابت با سایر دُول باشد. خارج از این یادداشت اظهار شد اولاً آلمان قادر به پرداخت اسعار نیست و حساب معاملات باید سربه‌سر باشد. ثانیاً معاملات با آلمان مشمول مقررات تصدیق صدور نباشد.» (ساکما، سند شماره ۱۹۱۸۳: ۲۴۰: ۱۴۰).

پس از این گزارش، دولت ایران تصمیم گرفت تا هیئتی را برای انجام مذاکرات و عقد قرارداد به آلمان اعزام کند. هیئت ایرانی که اعضای شاخص آن را بدر معاون وزیر مالیه، وثیقی معاون اداره کل تجارت و انصاری رئیس اداره اقتصادیات وزارت امور خارجه تشکیل می‌دادند، در روز شنبه ۷ مرداد ۱۳۱۴ (۲۸ جولای ۱۹۳۵) وارد برلین شد. پنج روز بعد اولین ملاقات آنان با هیئت مذاکره‌کننده آلمانی که اعضای اصلی آن را دکتر ولتات مدیرکل وزارت اقتصاد ملی و دکتر شاخت وزیر اقتصاد و رئیس رایش بانک تشکیل می‌دادند صورت گرفت (ساکما، سند شماره ۱۹۱۸۳: ۲۴۰: ۹۱). مذاکرات تا ۷ آبان ۱۳۱۴ (۳۰ اکتبر ۱۹۳۵) ادامه پیدا کرد. دکتر شاخت در جریان مذاکرات اولیه در ماه مرداد به هیئت ایرانی اعلام کرد: «آلمان مایل است خرید مواد خام خود را که سابقاً از بازارهای آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی تهیه می‌کرد ترک کرده در سایر نقاط دیگر بازار جدید پیدا کند. به این واسطه موقع مناسبی برای ایران که دارای مواد اولیه است پیدا شده که تجارت خود را با آلمان توسعه دهد.» (ساکما، سند شماره ۱۹۱۸۳: ۲۴۰: ۱۲۹) وی همچنین افزود که تحقق این امر ایران را از صدور کالاهای خود به روسیه تا

حدود زیادی بی‌نیاز می‌سازد و ایران دیگر مجبور نیست کالاهایش را به هر قیمتی که شوروی‌ها تعیین می‌کنند بفروشد (مکی، ۱۳۷۴: ۲۴۹/۶).

در پی انجام این مذاکرات مقدماتی، سرانجام قراردادی موسوم به قرارداد تصفیه محاسبات تجاری ایران و آلمان در ۸ آبان ۱۳۱۴ (۳۰ اکتبر ۱۹۳۵) در بیست ماده به امضا رسید. در ماده دوم این قرارداد که هدف از آن فراهم کردن مبادلات پایاپای کالا میان دو کشور بود، مقرر گردید پرداخت‌های تجاری میان دو کشور یا از طریق تهاتری بین صندوق تهاتری آلمان و بانک ملی ایران یا از راه حساب‌های تهاتری خصوصی تصفیه گردد (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۰۶۸۷: ۱۱۴). پس از انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری حضور هیئت مذاکره‌کننده ایرانی در آلمان به‌منظور توسعه و تحکیم روابط تجاری با این کشور نه ماه دیگر ادامه پیدا کرد (انصاری، ۱۳۵۱: ۳۲۱/۲). انعقاد پروتکل محرمانه مبادلات تجاری ایران و آلمان در ۱۱ بهمن ۱۳۱۴ (۳۱ ژانویه ۱۹۳۶) (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۳: ۵) و تشکیل اطاق بازرگانی ایران و آلمان در ۳۰ تیر ۱۳۱۵ (۲۱ جولای ۱۹۳۶) (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۰۶۸۷: ۱۲۲). نتیجه فعالیت‌های اعضای این هیئت بود. پروتکل مبادلات تجاری ایران و آلمان که در پی قرارداد تصفیه محاسبات تجاری منعقد گردید، از یک‌سو در تحکیم روابط اقتصادی دو کشور و از سوی دیگر در اولویت یافتن کشاورزی تجاری در سیاست‌های اقتصادی حکومت نقش مهمی داشت. ماده اول این پروتکل اجازه می‌داد اجناس آلمانی طبق صورت رسمی سهمیه آزاد وارد ایران شود. در مقابل و بر اساس ماده دوم پروتکل، دولت آلمان به‌صورت نامحدود اجازه داد برخی از اجناس ایرانی به آلمان وارد شود. این اجناس عبارت بودند از: قالی، گردو، خشکبار، گندم، جو، ارزن، برنج، پنبه خام، میوه و برگ گیاهانی که مصرف دارویی داشتند، زیره صحرایی، خزه‌ها، تمبر هندی، کاسیای خام، میوه، برگ، گیاه و ساقه‌هایی که مصرف طبّی داشتند، پوست درخت برای دباغی، انگور، سندروس، انواع صمغ‌ها، موم زنبور عسل و سایر موم‌های حشره به‌صورت طبیعی، پشم خام گوسفند، کرک شتر به‌صورت خام و جوشیده، موی بز به‌صورت خام و جوشیده، پیله ابریشم، پوست و چرم خام، پوست خام برای مصارف لباس (از روباه، خر، گرگ، شغال، سگ‌آبی، گربه‌کوهی و راسو)، روده گوسفند، مستخرجات حیوانات، عصاره دباغی، فضولات ابریشم شانه نشده و پوست و چرم بره، گوسفند، بز و بزغاله (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۳: ۵-۶).

فهرست کالاهای مورد درخواست آلمان از ایران نشان می‌دهد که بیشتر این کالاهای کشاورزی و دامی هستند. این مطالبات با افزایش تقاضاهای آلمان در پروتکل‌های مبادلاتی بعدی در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ ش. بیشتر شد. آلمان در پروتکل مبادلات تجاری ۲۷ مهر ۱۳۱۷ (۱۹ اکتبر ۱۹۳۸) خود با ایران بر میزان و تنوع مواد اولیه مورد نیاز خود افزود. توتون، میوه‌های خشک‌شده خوراکی، برگه زردآلو و هلو، خرما، تریاک، هسته زردآلو، کتیرا، خاک سرخ، شلتوک، کنف، میوه‌ها و برگ‌ها با مصارف صنعتی، اجناسی بودند که به فهرست واردات آلمان در پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۷ افزوده شدند (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۳: ۷-۹). در ادامه این روند، آلمان در پروتکل مبادلاتی ۱۴ مهر ۱۳۱۸ (۶ اکتبر ۱۹۳۹) بر میزان مواد اولیه مورد درخواست خود از ایران افزود. این افزایش بر اساس ماده دوم پروتکل سال ۱۳۱۷ ش. صورت می‌گرفت که در آن مقرر شده بود دولت ایران تلاش خود را برای افزایش میزان اجناس صادراتی به کار گیرد (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۳: ۶). در راستای همین توافق بود که در پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۸ ش. بر میزان صادرات برخی از اجناس در مقایسه با پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۷ ش. افزوده شد.^۱ تمایل روبه افزایش دولت آلمان برای خرید مواد اولیه موجب می‌شد تا ایران برای تأمین مطالبات این کشور درصد افزایش تولید این مواد برآید. ضرورت انجام چنین کاری هنگامی بیشتر می‌شد که شرکت‌های تجاری و صنعتی آلمان هم در راستای سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی درصد برآمدند قراردادهای جداگانه با دولت و شرکت‌های ایرانی برای تهیه مواد اولیه منعقد کنند (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۱۳۴۱۶: ۴۹). در چنین شرایطی دولت ایران ناچار بود، تدابیری برای افزایش تولید مواد اولیه مورد نیاز آلمان که بیشتر مواد کشاورزی بودند، اتخاذ نماید؛ لذا توجه حکومت به توسعه کشاورزی تجاری با هدف تولید و صدور مواد اولیه کشاورزی ضروری بود. تحت تأثیر همین ضرورت بود که از سال ۱۳۱۶ ش. از میزان تمایل دولت به صنعتی‌سازی که از سال ۱۳۰۹ ش. به دلیل بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م. در برنامه‌های اقتصادی حکومت بود، به دلیل لزوم توجه همزمان به کشاورزی تجاری کاسته شد و تلاش برای افزایش تولید مواد

۱. به‌عنوان مثال میزان صادرات پنبه از ۱۰۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۷ ش. به ۲۲۵۰۰ تن در سال ۱۳۱۸ ش. و کتیرا از ۳۰۰ تن در سال ۱۳۱۷ ش. به ۵۰۰ تن در سال ۱۳۱۸ ش. افزایش یافت. برای مطالعه بیشتر در خصوص این افزایش (نک: ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۲۱۴۸: ۵).

اولیه کشاورزی با هدف تأمین مطالبات مواد اولیه آلمان بر اساس پروتکل‌های مبادلات تجاری آغاز شد.

تأثیر روابط ایران و آلمان نازی در اولویت یافتن کشاورزی تجاری در سیاست‌های اقتصادی ایران

انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری و پروتکل‌های مبادلات تجاری، دوره‌ای جدید از روابط اقتصادی میان ایران و آلمان را رقم زد. این قرارداد مخصوصاً بر شئون اقتصادی ایران تأثیر زیادی گذاشت و منجر به اولویت یافتن سیاست توسعه کشاورزی تجاری بر اجرای سیاست صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات گردید. این تغییر سیاست با اظهارات رضاشاه هنگام بازدید از نمایشگاه کالای فارس در اسفند ۱۳۱۵ آغاز شد. وی در این بازدید بر لزوم توجه به کشاورزی و اولویت آن بر صنعتی‌سازی این‌گونه تأکید کرد: «مسئلاً هر کس به دنبال کار فلاحی یا صنعت برود، کامیاب خواهد شد. به فلاحی باید بیشتر از صنعت توجه شود؛ زیرا مواد خام و محصولات فلاحی ما طرف توجه دنیاست. ما در بین اقلام صادرات کشور هیچ جنس تجملی نداریم. هر قدر محصول به دست آید، بازار خواهد داشت؛ بنابراین حالا که خوشبختانه تا اندازه‌ای موجبات کار و میدان فعالیت باز شده است، بایستی اسباب تشویق عموم فراهم گردد تا هم برای خود و هم برای هم‌میهنان مفید واقع گردند. ... نظر من بیشتر متوجه فلاحی است. یک موقعی صنعت زیاد شد و اکنون هم می‌گویم باید زیاد شود، اما به نسبت احتیاج و تناسب. نباید همه یک راه را دنبال کنند. مثلاً اگر نخ محصول دو کارخانه به‌صورت پارچه در بیاید خوب است. ولی باز هم دایر کردن کارخانه نخ‌ریسی بیش از احتیاج کشور می‌باشد و ممکن است مضر به اقتصاد کشور گردد. پنبه‌کاری باید خیلی توسعه یابد. پنبه متاعی است که بازاریش ضعیف نمی‌شود و روزبه‌روز احتیاج به این محصول زیادتر می‌گردد و خوشبختانه پنبه ایران عموماً خوب است و انتظار دارم سعی کامل نمایند پنبه و نوع آن و هر قسم محصول فلاحی و صادراتی زیادتر شود.» (مجله اطاق تجارت، ۱۳۱۶: ش ۱۵۵، ۱-۲)

در پی این اظهارنظر بود که توسعه کشاورزی تجاری با هدف کسب درآمد بیشتر از بازار جهانی فروش مواد اولیه در اولویت سیاست‌های اقتصادی قرار گرفت. در نتیجه چنین اولویتیابی بود که برخی از مطبوعات بر ضرورت و لزوم توجه به این مسأله

تأکید کردند. به عنوان مثال روزنامه اطلاعات در لزوم توجه به توسعه کشاورزی نوشت: «ما باید بدین نکته متوجه باشیم که ایران برای تولید مواد اولیه عرصه پهناوری است و دنیا نیز برای خرید محصولات آن بازار شایسته و خوب است و ما می توانیم با جزئی دقت در امر فلاحه، منافع و سود سرشاری برده، ثروتمند شویم. گفتار بزرگان گیتی برای درمان زخم های معنوی تا چه اندازه دخیل و مؤثر است... شاهنشاه در هر امری مترصدند که جنبه عادی خارج نشده برای کشور تولید ضرر ننمایند. می فرمایند اول فلاحه دوم صنعت. این دستور بزرگ شایان توجه زیاد و برای افراد کشور رهنمای مهمی است. آری باید به فلاحه بیشتر اهمیت داد؛ زیرا مواد خام از قبیل پنبه، کنیرا و همچنین خشکبار مورد احتیاج ملل صنعتی اروپایی است و مشتری فراوان دارد. ما باید در فلاحه سعی کنیم و بر صادرات فوق بیفزاییم و در صنعت به اندازه احتیاج داخلی سعی و کوشش نماییم و رفع نواقص نموده به اقتصاد کشور کمک کنیم.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۶: ش ۳۰۹۸، ۲)

همین روزنامه با تأکید مجدد بر لزوم اولویت یافتن کشاورزی با هدف صادرات می آورد: «برای هر کشوری فلاحه یا صنعتی تفاوت ندارد، این مسأله اهمیت دارد که پس از تأمین نیازمندی های داخلی کشور از محصولات و موایده فلاحه، فکر تجارت صادراتی خود را بکند؛ و این فکر همیشه توأم است با فکر و دقت اینکه بازارهای جهانی چه احتیاجی داشته و چه می خواهد. تولیدکننده در هر کشوری همیشه ناگزیر از متابعت میل خریداران در بازار جهانی است. ... بنابراین تبدیل نوع محصولات فلاحه به مقتضای احتیاج بازارهای تجارتی و مصرف و استهلاک کارخانه های داخلی از جمله مسائلی است که مقتضیات عصر آن را ایجاب و ضروری می نماید.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۶: ش ۳۳۲۳، ۱)

علاوه بر روزنامه اطلاعات، مجله اطلاق تجارت هم بر ضرورت و اهمیت توسعه کشاورزی صادراتی با توجه به اظهارات رضاشاه و نیازهای بازار جهانی تأکید کرد: «اندکی توجه به اوضاع و احوال دنیا بیش از پیش ما را متوجه اهمیت معنای فرمایشات ملوکانه در بسط فلاحه و تکثیر تولید مواد خام می نماید و نیازمندی های بازار دنیا به مواد خام فلاحه قدر و ارزش فلاحه را در نظر ما بزرگ خواهد ساخت. امروز در دنیا بر اثر تجربیات ممتدی که مخصوصاً بعد از جنگ بین المللی به عمل آمده، معلوم گردیده است که هیچ محصول شیمیایی نمی تواند جایگزین محصول فلاحه گردد؛ یعنی دانشمندان شیمیدان اگر هم فرضاً با مغز چوب محصولی نظیر پنبه بسازند، جای پنبه

را نخواهد گرفت و همین‌طور سایر محصولات فلاحتی؛ و از سوی دیگر ادراک این نکته قابل کمال توجه می‌باشد که بدانیم اساساً چرا در کشورهای صنعتی علمای شیمیست به کار گرفته و می‌کوشند که به نیروی علم نیازمندی‌های خود را از مواد خام فلاحتی مرتفع سازند. برای این است که فاقد مواد خام مزبور می‌باشند و برای این است که صنایع آنها نیازمند این مواد می‌باشد و بالاخره برای این است که مواد خام فلاحتی در بازارهای دنیا تقاضای خرید زیاد دارد.» (مجله‌های تجارت، ۱۳۱۶: ش ۱۵۵-۱۵۶، ۱)

در چنین شرایطی بود که با توجه به تحولات بازار جهانی مخصوصاً تمایل آلمان به خرید مواد اولیه کشاورزی از ایران، تمایل به توسعه کشاورزی تجاری اولویت یافت. در همین راستا، از سوی دولت اقداماتی در جهت توسعه کشاورزی تجاری صورت گرفت که برخی از آنها عبارت بودند از:

الف. تشکیل هیئت‌مدیره پنج نفره از متخصصان کشاورزی زیر نظر اداره کل فلاحت در ۱۸ آبان ۱۳۱۶. وظایف این هیئت عبارت بود از: ۱) بررسی وضعیت کشاورزی و استعداد بخش‌های مختلف کشور و پیش‌بینی اقداماتی که به طور کلی برای پیشرفت کشاورزی کشور باید انجام گردد؛ از قبیل ترویج شرکت‌های تولیدکننده محصول کشاورزی. ۲) سرکشی به نقاط مختلف کشور برای بررسی و اظهارنظر نسبت به عمران و آبادی بخش‌های مختلف کشور. ۳) تدوین برنامه دقیق عملیات کشاورزی در هر سال در بخش‌های مختلف و تسلیم آن به اداره کل فلاحت. ۴) ارتباط و مشاوره مستقیم با شوراهای اداره فلاحت در هر بخش از ولایات. ۵) تلاش برای ازدیاد درآمد زارعین. ۶) مراقبت در اجرای قانون عمران و پیشرفت. ۷) حسن اجرای برنامه‌های کشاورزی و عمران. ۹) تهیه مقدمات تأسیس نمایشگاه‌های کشاورزی و پیشنهاد اعطای جایزه‌های کشاورزی. ۱۰) اجرای مقررات قانون بهداشت دام‌ها و نیز قانون تفتیش صحت نباتات. و ۱۱) بازرسی مزارع و مؤسسات فلاحتی (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۲۷۶: ۱-۲).

ب. تصویب قانون عمران در ۲۵ آبان ۱۳۱۶. در این قانون که هدف از تصویب آن افزایش محصولات کشاورزی بود، مالکان زمین‌های کشاورزی موظف به عمران و آبادی اراضی خود در هماهنگی با شورای بخش و یا شهرستان محل سکونت خود شدند. مجموعه اقداماتی که صاحبان اراضی در راستای قانون عمران موظف به انجام آن شدند عبارت بود از: ۱) احداث، احیاء و تعمیر قنات‌ها. ۲) دایر کردن اراضی بایر. ۳) دایر نگه داشتن

نهرها با اصول فنی کشاورزی و بهداشتی. ۴) احداث و اصلاح خانه‌های رعیتی با اصول بهداشتی. ۵) تأسیس راه‌های فرعی بین دهات. ۶) ایجاد پست‌های بهداشتی و ۷) خشک کردن اراضی باتلاقی (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۱۳۲۱/۲).

ج. تشکیل کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای تربیت مأموران ترویج و آموزش کشاورزی و دامپروری در سراسر کشور (ساکما، سند شماره ۲۹۱۰۰۳۵۹۱: ۱۹۳). در تشکیل این کلاس‌ها و دوره‌ها علاوه بر اداره کل فلاحی از آذر سال ۱۳۱۶ (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۶: ش ۳۳۳۷، ۱)، وزارت‌های معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه از خرداد ۱۳۱۷ (ساکما، سند شماره ۲۹۷۰۲۸۲۱۷: ۹) هم مشارکت می‌کردند.

د. تلاش برای جمع‌آوری و تدوین اطلاعات کشاورزی از سایر کشورها از طریق اعضاء و کارکنان سفارتخانه‌های ایران از آبان ۱۳۱۷ (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۷: ک ۵۳، پ ۱۶۹، ۱).

ه. احداث مزرعه‌های نمونه برای تحقیقات علمی و اصلاح بذر محصولات کشاورزی. باغ فلاحی نمونه ساوه به مساحت بیست هکتار با هدف پرورش انواع بذر و نهال (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۶: ش ۳۱۰۲، ۴) و مزرعه‌های آزمایشی توتون طولش (۱۳۱۵) و تیرتاش^۱ (۱۳۱۶) از جمله این مزرعه‌ها بودند (کشت و صنعت توتون در ایران، بی‌تا: ۱۸۵) که با هدف تحقیقات علمی در حوزه کشاورزی تأسیس شدند.

و. حمایت‌های مالی از زارعان، کشاورزان و مالکان با تصویب قوانین جهت تسهیل در اعطای وام‌های دولتی از طریق بانک ملی (عاقلی، ۱۳۶۹: ۲۹۱) و بانک فلاحی (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۱۳۵۴/۲).

بدین ترتیب برقراری روابط تجاری میان ایران و آلمان نازی که هدف آن تأمین مطالبات مواد اولیه آلمان بود، زمینه‌ساز تمایل حکومت پهلوی به توسعه کشاورزی تجاری و اولویت یافتن سیاست توسعه کشاورزی تجاری و خارج شدن سیاست صنعتی‌سازی از اولویت برنامه‌های اقتصادی این حکومت از اواخر سال ۱۳۱۵ ش. شد.

۱. منطقه‌ای در نزدیک شهر بهشهر مازندران

نتیجه گیری

روابط تجاری ایران و آلمان نازی در شرایطی آغاز گردید که حکومت پهلوی به منظور تأمین هزینه های لازم برای اجرای سیاست صنعتی سازی و تأمین ماشین آلات مورد نیاز صنایع خود دچار مشکل شده بود. از سوی دیگر رژیم نازی در آلمان هم به دلیل مشکلات ارزی که در نتیجه بحران اقتصادی به آن دچار شده بود، قادر به تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع خود برای تجدید سلاح نبود. در چنین شرایطی ایران به عنوان کشور تولیدکننده مواد اولیه مورد توجه رژیم نازی آلمان قرار گرفت. بدین ترتیب نوعی نیاز متقابل میان دو کشور وجود داشت که آنها را به لحاظ اقتصادی به یکدیگر نزدیک می کرد.

تمایل ایران به برقراری روابط تجاری با آلمان در درجه اول ناشی از تمایل حکومت پهلوی برای تکمیل پروژه های صنعتی خود از طریق مبادله پایاپای مواد اولیه با ماشین آلات صنعتی مورد نیاز صنایع نوپای ایران بود. بر این اساس، چنین به نظر می رسد که برقراری روابط تجاری با آلمان گامی مهم در جهت توسعه و تسریع سیاست صنعتی سازی در ایران باشد؛ اما ادامه روابط تجاری با آلمان شرایط دیگری را رقم زد که در نتیجه آن صنعتی سازی از اولویت اول سیاست های اقتصادی حکومت پهلوی خارج شد و توسعه کشاورزی تجاری جایگزین آن شد.

در این میان، آنچه موجب شد تا سیاست توسعه کشاورزی به جای صنعتی سازی در اولویت برنامه های حکومت قرار گیرد، مطالبات روزافزون مواد اولیه آلمان از ایران بود. تحت تأثیر همین شرایط بود که رضاشاه در سخنرانی خود به هنگام بازدید از نمایشگاه کالای فارس در اسفند ۱۳۱۵ بر لزوم توجه و اولویت بخشی بیشتر به کشاورزی با هدف تولید و صادرات محصولات کشاورزی که بازارهای جهانی آن را از ایران مطالبه می کردند تأکید کرد. پس از این سخنرانی بود که توسعه کشاورزی تجاری با هدف صادرات مواد اولیه کشاورزی به آلمان به جای صنعتی سازی در اولویت برنامه های حکومت پهلوی قرار گرفت.

تشکیل هیئت مدیره پنج نفره از متخصصان کشاورزی زیر نظر اداره کل فلاحات در ۱۸ آبان ۱۳۱۶ با هدف بررسی وضعیت کشاورزی و پیش بینی اقدام های لازم برای پیشرفت کشاورزی، تصویب قانون عمران در ۲۵ آبان ۱۳۱۶ با هدف افزایش محصولات

کشاورزی، تشکیل کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای تربیت مأموران ترویج و آموزش کشاورزی، جمع‌آوری و تدوین اطلاعات کشاورزی از سایر کشورها از طریق اعضاء و کارکنان سفارتخانه‌های ایران، احداث مزرعه‌های نمونه برای تحقیقات علمی و اصلاح بذر محصولات کشاورزی و حمایت‌های مالی از زارعان، کشاورزان و مالکان با تصویب قوانین جهت تسهیل در اعطای وام‌های دولتی از جمله اقدام‌های حکومت پهلوی در جهت اجرای سیاست توسعه کشاورزی تجاری بود.

منابع

- استوریانوس، ال. اس (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی تاریخی — تطبیقی جهان سوم. ترجمه رضا فاضلی. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- اطلاق تجارت (۱۳۱۱). سال چهارم. ش ۵۲. ۱۵ آذر.
- _____ (۱۳۱۱). سال چهارم، ش ۵۳، ۱ دی.
- _____ (۱۳۱۶). سال هشتم، ش ۱۵۵-۱۵۶، ۱ فروردین.
- _____ (۱۳۱۶). سال هشتم، ش ۱۷۳، ۱ بهمن.
- _____ (۱۳۱۷). سال نهم، ش ۱۸۲، ۱۶ خرداد.
- اطلاعات (۱۳۱۶). سال یازدهم، ش ۳۰۹۸، پنجشنبه ۱۹ فروردین.
- _____ (۱۳۱۶). سال یازدهم، ش ۳۱۰۲، دوشنبه ۲۳ فروردین.
- _____ (۱۳۱۶). سال دوازدهم، ش ۳۳۲۳، یکشنبه ۷ آذر.
- _____ (۱۳۱۶). سال دوازدهم، ش ۳۳۳۷، دوشنبه ۲۲ آذر.
- _____ (۱۳۱۶). سال دوازدهم، ش ۳۳۷۶، ۱ بهمن.
- بروک، پل (۱۳۵۵). جهان سوم در بن‌بست. امیرحسین جهانگللو. تهران: خوارزمی.
- پیرا، فاطمه (۱۳۷۹). روابط سیاسی-اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسین‌زاده خوئی، ادريس (۱۳۱۳). «وقفه تجارت ایران در آلمان، لزوم اقدام فوری.» اطلاق تجارت. س ۵. ش ۹۳. اول تا پانزده شهریور. صص ۵-۷.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۱۲۰۲۳-۲۴۰۰. محل در آرشیو ۷۰۴ ع ۳ آ ۱.
- _____ . سند شماره ۱۳۴۱۶-۲۴۰۰. محل در آرشیو ۲۰۲ ف ۲ آ ۱.

- _____ . سند شماره ۱۹۱۸۳-۲۴۰۰. محل در آرشیو ۱۲۰۲ آ ب ۱.
- _____ . سند شماره ۲۰۶۸۷-۲۴۰۰. محل در آرشیو ۷۰۳ پ ۲ آ ۱.
- _____ . سند شماره ۲۲۱۴۸-۲۴۰۰. محل در آرشیو ۱۰۹ ث ۴ آ ۱.
- _____ . سند شماره ۲۲۲۷۶-۲۴۰۰. محل در آرشیو ۷۰۷ ث ۵ آ ۱.
- _____ . سند شماره ۳۵۹۱-۲۹۱۰۰. محل در آرشیو ۵۰۳ ع ۴ آ ۱.
- _____ . سند شماره ۲۸۲۱۷-۲۹۷۰. محل در آرشیو ۱۱۴ ف ۳ آ ۱.

سالنامه پارس. ۱۳۱۳.

طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۴). روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه. تهران: وزارت امور خارجه.

عاقلی، باقر (۱۳۶۹). داور و عدلیه. تهران: علمی.

کشت و صنعت توتون در ایران (بی‌تا). بی‌جا: بی‌نا.

لارسون، توماس و دیوید اسکیدمور (۱۳۸۳). اقتصاد سیاسی بین‌المللی تلاش برای کسب قدرت و

ثروت. ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی. تهران: قومس.

مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی (۱۳۸۸). ج ۲. تهران: روزنامه رسمی

جمهوری اسلامی ایران.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه (۱۳۱۷). کارتن ۵۳. پرونده ۱۶۹.

مسعودانصاری، عبدالحسین (۱۳۵۱). زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان. ج ۲.

تهران: ابن سینا.

مکی، حسین (۱۳۷۴). تاریخ بیست‌ساله ایران. ج ۶. تهران: علمی.

Lee, C. H (1969). "The Effects of the Depression on Primary Producing Countries."

Journal of Contemporary History. Vol. 4. No. 4. Oct. pp 139- 155.